



بررسی وضعیت معیشتی ارتش نوین قاجار و پیامدهای آن بر اساس مندرجات هفته‌نامه «جبل‌المتین کلکته»^۱

شیرین شریفی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۰۸

چکیده

با آغاز قرن نوزدهم و روی کار آمدن سلسله قاجار، دروازه‌های سرزمین ایران بر روی انواع نوآوری‌های تمدن اروپایی آهسته‌آهسته گشوده شد؛ همچنین حادثه تلخ شکست‌های ایران در مزارهای شمال غربی از روسیه، نخبگان عناصر حکومتی را به این فکر واداشت که باید در ساختار ارتش سنتی ایران اصلاحاتی اساسی ایجاد کرد. یکی از این اصلاحات پرداخت حقوق کارکنان نظامی بود؛ اما به علت فقدان بسترهای لازم و اساسی برای این طرح، نوسازی ارتش ایران دارای کاستی‌های فراوانی بود. سؤال اساسی این تحقیق چرایی و ارتباط بین ساختار ارتش نوین و وضعیت معیشتی سربازان است، هم چنین روش جدید دادن دستمزد به خدمتگزاران قشون چه پیامدهایی را در پی داشت. این تحقیق با تکیه بر مندرجات هفته‌نامه «جبل‌المتین کلکته»، موضوع دستمزد و حقوق سربازان - که در ارتش نوین قاجار توسط حکومت پرداخت می‌شد - را مورد مذاقه قرار داده و ناکارآمدی این سبک جدید از دادن مواجب و پیامدهای آن را تبیین و بررسی می‌کند. مطالعات نشان می‌دهد این نوآوری از پرداخت حقوق به عناصر نظامی، با هدف تقویت حکومت مرکزی و کاستن از قدرت و نفوذ رؤسای ایل بود. دولت مردان قاجار به علت تهی بودن خزانه دولتی، سودجویی صاحب‌منصبان واسطه و سوءمدیریت حکومت هرگز نتوانستند وضعیت معیشتی سربازان را بهبود بخشند و موجبات نارضایتی و بی‌انگیزگی آنان را تا پایان حکومتشان فراهم آورند. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی است و مبتنی بر شیوه کتابخانه‌ای و عمدتاً با تکیه بر مراسلات و متون «روزنامه جبل‌المتین کلکته» انجام شده است.

واژه‌های کلیدی: سلسله قاجار، ارتش نوین، وضعیت معیشتی، سربازان، هفته‌نامه «جبل‌المتین کلکته».

^۱ - شریفی، شیرین (۱۴۰۳). بررسی وضعیت معیشتی ارتش نوین قاجار و پیامدهای آن بر اساس مندرجات هفته‌نامه «جبل‌المتین کلکته»، فصلنامه تحقیقات

تاریخ ایران دوره اسلامی، سال اول، شماره دوم، تهران: ص ۲۱-۳۷.

^۲ - عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان، تهران. پست الکترونیک: sh_sharifi4747@yahoo.com.

مقدمه

طرح ارتش نوین و سرگذشت تحولات آن، بدون ذکر نام عباس میرزا و همچنین شکست‌های پی‌درپی ایران در مرزهای شمالی در جنگ‌های اول و دوم با روس غیرممکن است. ایران سودای بازپس‌گیری سرزمین‌های باخته به روس را داشت و به ارتشی پیشرفته با قابلیت تهاجمی امیدوار بود؛ البته انگیزه سرکوب مخالفان داخلی به وسیله یک نیروی قهار نیز در دستور کار پادشاهان قاجار بود. اقدامات عباس میرزا با مرگ وی عقیم ماند و متوقف شد. در دوره‌های بعدی، دولت مردانی چون امیرکبیر و سپهسالار، تلاش برای ایجاد سپاه منظم و مدرن را آغاز کردند؛ اما بارقه‌های اصلاحات بسیار ضعیف بود.

تشکیل بریگاد قزاق که از تراوشات فکری ناصرالدین‌شاه در سفر دوم خود به فرنگ و الهام از قزاق‌های روس بود، یوغ دیگری بر گردن ایران زد.

به طور کلی می‌توان گفت از زمان عباس میرزا تا دوران مظفرالدین‌شاه و نهضت مشروطه هیئت‌های نظامی متعددی از کشورهایی چون فرانسه، انگلیس، آلمان، ایتالیا و اتریش جهت اصلاح وضع ارتش سنتی قاجار وارد ایران شدند؛ اما کوشش‌های دراز دامن حاکمان قاجار برای ایجاد ارتشی که بتواند قلمرو آن‌ها را از یورش بیگانگان در امان نگاه دارد تا حدود زیادی در سایه موانع خارجی و داخلی ناکام ماند.

پرتوهای مختلف و سودمندی از انواع پژوهش‌ها با زوایای مختلف بر پیکره موضوع ارتش نوین تابیده است؛ این مقاله نیز در تلاش است که از یک زاویه دیگر به این موضوع بپردازد. وضعیت دستمزد و معیشت سربازان - که در قاعده هرم ساختار این نظام قرار داشتند - موضوعی است که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی در یافته‌های خویش بر پایه و اساس حافظه جمعی و نظرات و عقاید شاهدان عینی از خاستگاه و طبقات اجتماعی متفاوت در هفته‌نامه حبل‌المتین کلکته و نیز با مقایسه و یاری گرفتن از منابع مهم، باارزش و دست‌اول آن روزگار به ارتش نوین دوره قاجار با محوریت وضعیت مالی و معیشتی نظامیان به ویژه سربازان به سؤالات زیر پاسخ می‌دهد.

سؤال اصلی

وضعیت معیشتی سربازان در ارتش نوین چگونه بود؟

سؤالات فرعی

- ۱- چه ارتباطی بین اجرای طرح ارتش نوین و نارضایتی‌های مالی وضعیت معیشتی سربازان وجود داشت؟
- ۲- پیامدهای نامطلوب نارضایتی‌های مالی و وضعیت نامساعد معیشتی سربازان در جامعه روزگار قاجار چه رخنمون‌هایی داشت؟

پیشینه تحقیق

از مهم‌ترین تحقیقات و پژوهش‌هایی که در رابطه با موضوع مورد بحث به آن پرداخته شده است، می‌توان مقاله کوتاه «گزارشی درباره ارتش در زمان محمدشاه قاجار» (اشراقی ۱۳۴۵) را نام برد که ترجمه‌ای از یک گزارش افسر انگلیسی است و دارای ارزش فراوانی است. همچنین مقاله «تحولات ارتش از عهد قاجار تا پایان سلسله پهلوی» که در حقیقت گفت‌وگویی با محمد نایب است (۱۳۸۵) و دارای اطلاعات جدیدی در زمان خویش است. «تغییر ساختار ارتش ایران از سنتی به مدرن» به نویسندگی، محمدمیر شیخ نوری (۱۳۸۵)، مقاله‌ای دیگر است که دارای ارتباط منطقی با موضوع پژوهشگر است. در همین سال مقاله‌ای دیگر با نام «فرآیند اصلاحات سازمان نظامی در دوره قاجار» توسط جواد ابوالحسنی (۱۳۸۵)، در رابطه با ارتش نوین قاجار به چاپ رسید. بیش از ده سال بعد مقاله ارزشمند دیگری توسط محمدرضا علم و حمزه حسینی به نام «بررسی موانع شکل‌گیری ارتش مدرن در نیمه نخست حکومت قاجار» به نگارش در آمده است (۱۳۹۷). از جدیدترین مقالاتی که قرابت موضوعی نزدیک‌تری با مقاله حاضر دارد، می‌توان مقاله «مسائل و ضرورت‌های سربازگیری در ایران در عصر قاجار» را نام برد که پدیدآورندگان آن: سینا فروزش، احمد باوند سوادکوهی و رضا عبادی جامخانه می‌باشند. در این مقاله، قسمت قابل توجهی به وضعیت معیشتی سربازان اختصاص داده شده است. استفانی کرونین^۱ مقاله‌ای به زبان انگلیسی تحت عنوان «ارتش در دوره قاجار» به رشته تحریر درآورده است که به خوبی به ناکارآمدی ارتش نوین قاجار در قرن بیستم با شواهد و دلایل پرداخته است (۲۰۱۱).

اهمیت و ضرورت تحقیق

وجه تمایز و نوآوری این مقاله در مقایسه با پژوهش‌هایی که نام برده شد، موضوع جدید، اختصاصی و قابل تأمل آن است که مطالب و تحلیل‌های خویش را براساس یکی از معتبرترین روزنامه‌های آن دوره قرار داده است. همچنین با یاری جستن از منابع خارجی و داخلی دست اول غنای بیشتری به پژوهش خویش بخشیده است. امتیاز موضوع مقاله حاضر در رابطه با روزنامه در این است که شتابزدگی و قرائت‌های ناپخته جهت تجزیه و تحلیل رویدادهای گذرا و مقطعی - که از نقایص روزنامه‌نگاری - می‌باشد را ندارد. نظر به اینکه هفته‌نامه حبل‌المتین کلکته در اواخر دوره قاجار و زمان قابل توجهی از این دوره منتشر می‌شده، شاید بتوان مهم‌ترین دستاورد این پژوهش را در درک وضعیت معیشتی دوره قاجار براساس فراوانی نظریات افراد جامعه آن روزگار و پیامدهای آن دانست که این امر در هر زمان و از بعد سیاسی و امنیتی بسیار مهم است.

^۱. Stephanie Cronin

ارتش سنتی

بررسی ارتش و تحولات آن می‌تواند درک دگرگونی نظام سیاسی کشورهای گوناگون را آسان‌تر و دقیق‌تر نماید (نایب، ۱۳۸۵: ۴). تا اوایل سده نوزدهم میلادی ایران فاقد هرگونه سازمان منظم و منسجم نظامی بود. جنگجویان به هنگام جنگ حاضر شده و هزینه نگهداری آنان اغلب از طریق مصادره‌ها تأمین می‌شد. شکل قبیله نظامی مهم‌ترین قسمت از نیروی ارتش بود و این از سیاست‌های رؤسای قبیله بود که بتوانند از منطقه تحت نفوذ خود حفاظت کنند و چون پادشاهی در سرزمین خود حکومت کنند (Gordon, 1859: 116). سپاهان به شکل سنتی و به نوعی شبیه همان سلف خود در ایران باستان در مقابل رومیان تعلیم می‌دیدند (Malcolm, 1829: 355). چنانچه نیروهای آقامحمدخان شبیه «شبیخون‌های ایلاتی» و با اتکا بر سپاه ایلی قاجار و متحدان آن بود و تفاوت چندانی با ارتش دوره شاه‌عباس نداشت (شیخ نوری، ۱۳۸۵: ۲۲).

سازمان نظامی ایران قبل از ورود مربیان اروپایی شامل سه دسته بزرگ سواره‌نظام بومی یا منظم، گارد مخصوص سلطنتی و دسته‌های چریک بودند. سواره‌نظام بومی از ایلات صحرائشین جمع‌آوری می‌شد. گارد مخصوص سلطنتی یا «بندگان» از بهترین و قدرتمندترین قشون طوایف و قبیله‌ها بودند که مواجب آن‌ها از سایر سواره‌نظام ایران بیشتر و بهتر بود (Gordon, 1859: 118).

شواهد و مدارکی وجود ندارد که دلالت بر رفاه زندگی افراد نظامی به ویژه دون پایگان باشد، از این‌رو دور از انتظار نبود که سواران به اکراه خدمت کرده و امید تاخت و تاز و تاراجی داشته باشند و سرکرده خودشان برایشان حکم کند (Malcolm, 1829: 356). سرپی سایکس از افسران عالی‌رتبه انگلیسی از زبان راولینسون،^۱ ارتش سنتی ایران را در پرداخت حقوق، ملبوس، غذا، وسایل نقلیه، تجهیزات و غیره فاقد هرگونه نظم و اصول دیده است (Cykes, 1915: 411). معمولاً عبور نظامیان در لشکرکشی‌ها از مناطق روستایی مصیبتی عظیم بود؛ گرچه پیشکارها در مقابل اقلامی که از مردم می‌گرفتند فرض را بر تخفیف مالیات آن روستا می‌گذاشتند؛ اما این امر به ندرت اتفاق می‌افتاد و گاه عبور آنان همراه با قحطی برای آن سرزمین بود (Cronin, 2008: 53).

متأسفانه شواهد مکتوب از ابتدای دوره قاجار در مقایسه با دوره دوم کمتر است؛ به هر حال این موضوع چندان در تاریکی و ابهام نیست و می‌توان ادعا کرد اوضاع معیشتی سواران و افراد پیاده دارای مقبولیت و رضایت ناظران نبوده و غارتگری از رعیت از پیامدهای چنین شرایطی بود.

ارتش نوین

بدون تردید می‌توان پذیرفت حادثه جنگ‌های ایران و روس زمینه‌ساز طرح ایجاد ارتش به سبک نوین و اروپایی آن در دوره فتح‌علی‌شاه بود. عباس میرزا ولیعهد خوش‌فکر شاه قاجار که بنابر گفته‌ای در غرب به وی لقب «شمشیر و

^۱. RawlinSon

سپر ایران» داده بودند (زرگری نژاد، ۱۳۹۸: ۳۹/۱)، راهبر این سبک بود، ظاهراً وی مدهوش علوم نظامی اروپایی بود ایران در جنگ‌های طولانی با روس دارای ارتشی سنتی و شکست خورده بود و باید چاره‌ای می‌اندیشید. همچنین با این اصلاحات وابستگی حکومت و کشور به رجال و خان‌های ایلات و ولایات برای گردآوری نیروی نظامی کم می‌شد و در انتها از میان برداشته می‌شد (Cronin, 2008: 54). سردبیر هفته‌نامه حبل‌المتین نیز در سرمقاله‌ای طولانی با عنوان «نامه‌ای به سپهسالار»، اشاره به نظام ایلاتی حکومت‌های ایران کرده که «... کلیه امور راجعه به سلطنت را بذریعه عسگریه خود انجام می‌دادند، از این رو مصارفشان منحصر به همان اداره جنگی بود ...» (حبل‌المتین، ۲ شعبان ۱۳۲۴: ۱). وی راه برون‌رفت از این مشکل را همانا تحولاتی در ارتش با اصول و جوانب متعدد معرفی می‌کند. گام اصلی در اصلاحات نظامی، استخدام افسران خارجی بود؛ زیرا افسران ماهر با روش اروپایی در ایران وجود نداشت و چه بسا روحیه جنگاوری افراد چالاک و صحرانشین که خطر جدی برای یک قشون حتی اروپایی بود (Sykes, 1915: 477). معرفی حقوق ثابت توسط عباس میرزا ابداع بدفرجامی در نظام سربازی بود، با اینکه هزینه نگهداری سربازان با خان و به شکل کسر از مالیات بود؛ ترجیحاً نشان داده شد از دادن یک حقوق ثابت و منظم دولتی بیشتر بود.

مجدالدوله از رجال دوره ناصرالدین‌شاه در رساله انتقادی و جسورانه خود وزارت مالیه را آواز و دهلی بیش نمی‌داند (مجدالملک، ۱۳۲۱: ۱۳۰).

گزارشگر حبل‌المتین پس از حدود هفتاد سال اوضاع موجب سربازان را چنین می‌نویسد: «... بیچاره رعیت ایران همین‌که تحت سلاح درآمد و در صفوف قشون داخل شد گویا حیات انسانیتش خاتمه پذیرفته و دیباچه شقاوتش ابتدا گشته ...» (حبل‌المتین، ۲۸ محرم ۱۳۲۶: ۱۸).

اصلاحات عباس میرزا به دلایل پیچیدگی‌های بافت سیاسی و اجتماعی ایران، دخالت عناصر گوناگون در تفسیر نوسازی، اتکا سیاست نوسازی به بیگانه، عقیم ماند (زرگری نژاد، ۱۳۹۸: ۴۴/۱).

گزارش سرهنگ چارلز استوارت^۱ در زمان محمدشاه به وزیر مختار انگلیس مستر آلیس^۲، حکایت گریبی مسئولیتی، عدم انجام وظایف و نداشتن امید به مواجب و جیره روزانه است (اشراقی، ۱۳۴۹: ۱۳۰).

مرحله دوم بازسازی ارتش (حکومت ناصری)

امیرکبیر دومین چهره تاریخی در تفکر نوسازی ارتش در دوره قاجار است که اقدامات و نوآوری‌های وی بر هیچ تاریخ‌دانی پوشیده نیست با عنایت به نظرات وی اتریشی‌ها به دلیل عدم سابقه استعمار در ایران مورد قبول بودند؛ اما با کارشکنی‌ها، کوتاه‌فکری‌ها، بیگانه‌هراسی‌ها و دمدمی مزاجی عناصر حکومتی، کاری از پیش نبردند، شکست در جنگ هرات در سال (۱۲۷۳هـ/ ۱۸۵۶م) نشان داد حکومت مانند تمامی امور، درمانی ابن‌الوقت دارد (حبل‌المتین،

^۱. Col, Charles Stadart.

^۲. Ellis.

۱۱ صفر ۱۳۲۴: ۲). میرزا حسین‌خان سپهسالار در کنار دو سیمای یاد شده در اصلاحات قشون، نام خویش را در تاریخ قاجار جاودانه ساخت. او نیز چون امیرکبیر، به اتریشی‌ها اعتماد داشت، اما این بار هم علاوه بر عوامل ذکر شده در بالا، کارشکنی روسی‌ها هم در عدم سود این کارشناسان دخیل بود. حبل‌المتین پیوسته ستایشگر و قدردان اتریشی‌ها بود، و همواره و آنان را جایگزین مناسبی برای تمامی هیئت‌های اروپایی می‌دانست (حبل‌المتین، ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۳۲۴: ۱۵).

فرض ما بر این است اگر دولتمردان ایرانی برنامه‌ای پویا و مدرن در همکاری با هیئت‌های نظامی اتریشی داشتند، شاید مسیر اصلاح ارتش ایران، هموارتر و اثربخش‌تر بود. ورود بریگاد قزاق، دردمندی این رنج مزمن را فزونی بخشید. روزنامه با دلی پرخون بریگارد قزاق را لعن و نفرین کرده و می‌نویسد: «... سعایت‌های فوق‌العاده نمودند که یک‌دفعه رشته آن هیئت انتقال از هم گسیخت آب آرزو و آمار محبان وطن بخاک ناامیدی ریخت» (همان)، اتریشی‌ها با ورود بریگاد قزاق برای همیشه ایران را ترک کردند؛ اما اسامی افسران‌شان تا سال‌ها بعد در لیست حقوق‌بگیران ارتش باقی بود (Cronin, 2008: 63).

بریگاد قزاق

هفتاد سال از آغاز نوین سازی ارتش به سبک اروپایی، بدون هیچ دستاورد چشمگیری می‌گذشت، نقشه عباس میرزا برای تربیت لشگری برای بازپس‌گیری سرزمین‌های از دست رفته تبدیل به ارتشی ظاهراً امروزی و سرکوبگر شورش‌های داخلی شده بود (Ibid: 53-54).

فشار قدرت‌های استعمارگر و مناسبات جهانی ناصرالدین‌شاه را تشویق به نیروی جدیدی در ارتش نمود؛ پس بریگاد قزاق به یاری روس در ایران تشکیل شد که به مدت چهل سال در ایران دوام آورد و در نهضت مشروطه نیز نفس آخرین حکومت محمدعلی‌شاه شد. سرپرسی سایکس از این بریگاد (تیپ) به عنوان مؤثرترین واحد ارتش ایران یاد می‌کند (Sykes: 2/475). به قول روزنامه: «... در جنگ‌های نمایان جلادتها از آنان بروز کرد و در معرض جانفشانی سبقت‌ها برافران نمودند...» (حبل‌المتین، ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۳۲۴: ۱۵).

داوطلبان ایرانی نیز در بریگاد قزاق بودند، روی‌هم‌رفته حقوق آنان قابل توجه بود و تقریباً دو برابر حقوق سرباز در نظام بود. حبل‌المتین نیروی بریگاد قزاق را بدون هیچ فایده برای ملت ایران تلقی کرده (حبل‌المتین، ۱۱ شوال ۱۳۲۲: ۱۷) و در آستانه نهضت مشروطیت سی سال حضور آنان را فقط خسارت به خزانه ایران معرفی می‌کند (حبل‌المتین، ۶ جمادی‌الاول ۱۳۴۴: ۱۵).

تصور می‌شود شکل‌گیری این قسمت از ارتش ایران با حمایت روس، به غیر از انجام مراسمات و تشریفات، تقویت استبداد شاهان قاجار، نفوذ هرچه بیشتر روسیه در مقابل انگلیس و خروج منابع مالی ایران، سودی دیگر برای این سرزمین نداشت.

عوامل نارضایتی مالی و معیشتی در ارتش نوین قاجار

تهی بودن خزانه و هزینه‌های بیهوده

پیش از آغاز اصلاحات در ارتش، حاکمان ایرانی و بالاخص قاجار به منظور دفاع در مقابل دشمن خارجی و حفظ امنیت داخلی، متکی بر نیروهای نامنظم عشایری بودند که مواجب آن‌ها به عهده خان‌های قبایل به موازات معاملاتی با حکومت بود. تخفیف یا کاهش بدهی مالیاتی همراه با ملاحظاتی از مهم‌ترین این معاملات بود که می‌توان پذیرفت، فشار چندانی به خزانه وارد نمی‌آورد، در مقابل پس از طرح نوین‌سازی ارتش، انبوهی از سربازان منظم - در حالی که بیشتر اوقات حضور کامل نداشتند - مصیبتی سترگ بود، علاوه بر اینکه هزینه‌های تجهیزاتی چون اسلحه و توپ، تشدیدکننده بود؛ چه بسا در بسیاری اوقات این تجهیزات بلااستفاده باقی می‌ماند. در زمان مظفردالدین‌شاه در سفر سوم وی به گفته روزنامه: «... معادل پنج کرویر پول ایران تفنگ و فشنگ و سایر لوازم و تدارکات حربیه در فرانسه خریده‌اند و مقرر شده که وجه آن را به تدریج بپردازد ...» (حبل‌المتین، ۶ شوال ۱۳۲۳: ۱۳). حدوداً یک‌سال بعد روزنامه در مقاله بلند سردبیر اشاره به چند عراده توپ بی‌مصرف می‌کند که در بندر بوشهر به حالت تأسف‌باری رها شده‌اند (حبل‌المتین، ۲ شعبان ۱۳۲۴: ۴). امین‌الدوله صدراعظم خوشنام مظفری در خاطرات سیاسی خود، اشاره به علاقه مظفردالدین‌شاه به لباس نظام اتریشی می‌کند که بدبختانه پیاده کردن آن هزینه گزاف و هنگفتی را به گردن خزانه دولت نهاده و در انتها نیز مورد پسند شاه قرار نمی‌گیرد و پس از پشیمانی به شکل و صورت اول برمی‌گردد (امین‌الدوله، ۱۳۴۱: ۶۳).

پرداخت دستمزد افسران خارجی از مشکلات بزرگ دیگر بود که قبل از آن وجود نداشت. هر زمان هیئت‌های خارجی مختلفی دعوت و وارد ایران می‌شدند؛ در حالی که ایران با قرار گرفتن در مسیر اقتصاد جهانی روزبه‌روز فقیرتر و خزانه نیز تهی‌تر می‌شد، چنانچه نیمه دوم قاجار صحنه وام گرفتن‌های کمرشکن ایران از دو دشمن قسم‌خورده خود، انگلیس و روس بود. این امر مخالفت‌های بسیاری از سوی میهن‌پرستان به دنبال داشت که در روزنامه نیز منعکس می‌شد (حبل‌المتین، ۲۵ ذی‌الحجه ۱۳۲۱: ۱۰؛ حبل‌المتین، ۲۹ جمادی‌الاول ۱۳۲۹: ۱). تشکر سردبیر روزنامه از تدابیر امین‌السلطان که قریب به دو کرویر تومان مواجب عقب‌افتاده قشون را از خزانه دولت پرداخته، نشان از ناتوانی و بی‌اعتنایی حکومت به اوضاع سخت مالی سربازان و تأخیر در دادن حقوق آنان است (حبل‌المتین، ۲۲ جمادی - الثانی ۱۳۱۶: ۱۶). حکمرانان داخلی هم گاهی دچار این مصیبت‌ها می‌شدند و جهت پرداخت مواجب عقب‌افتاده سربازان ناچار به قرض گرفتن از کمپانی‌های داخلی و تجار می‌شدند (حبل‌المتین، ۶ رجب ۱۳۳۲: ۲۰). سردبیر روزنامه عداوت خاصی با سربازان روسی داشته و با آه و افسوس از مواجب ناعادلانه بریگاد قزاق می‌نویسد (حبل‌المتین، ۲۰ جمادی‌الاول ۱۳۲۴: ۱۴).

راولینسون معلم انگلیسی نظام ایران تا بدان اندازه این نوسازی را بیهوده می‌بیند که می‌نویسد: «... پس برآستی می‌توان گفت که مابه‌التفات نمودن نظام جدید به ایران ... ردای نسوس^۱ بر قامتش انداختیم» (Curzon, 1892: 1/581).

اعطای ناشایسته و نابه‌جای مناصب بالای نظامی

در دوره قاجار عناوین نظامی و سلسله‌مراتب آن‌ها به اندازه‌ای است که تقریباً نمی‌توان یک ساختار نظامی مشخص از این دوره ارائه داد، به هر حال آنچه به یقین می‌توان پذیرفت مانند بسیاری از مناصب عالی کشوری در زمینه لشگری نیز اعطای این جایگاه‌های نظامی در رده‌های بالا، براساس روابط و غالباً نصیب شاهزادگان بلافصل بود. این امر ناشی از سوءمدیریت، طمع شاه، پیچ‌های سیاسی تاریک و توقعات بی‌جای بزرگان حکومتی بود. در قسمتی از سرزنش نگارنده‌ای در هفته‌نامه می‌خوانیم: «... آیا تاکنون مجلسی مفتوح و منعقد شده که در آن مجلس هر یک ممتحن و به فراخور خدمت و لیاقت و شایستگی و کفایت شامل امتیازاتی گردند» (حبل‌المتین، ۶ جمادی‌الاول ۱۳۲۴: ۱۵).

وقایع‌نگار تیزبین روزنامه پس از حضور در منطقه نظامی بوشهر و روایت پر دردِ حال سربازان، والا مقامان نظامی را مهجور از علم و عمل می‌خواند که از جرگه کارآگاهی و کاروایی مهجورند، اما کامروایی را به خوبی می‌دانند (حبل‌المتین، ۱۸ محرم ۱۳۲۶: ۲۰).

سیدجلال‌الدین کاشانی سردبیر روزنامه در همان سرمقاله طولانی- راه حل این معضلات را خطاب به میرزا نصرالله مشیرالدوله (سپهسالار) در روزهای اول پیروزی نهضت مشروطه بازگو می‌کند؛ روزهایی که امید به اصلاح امور مملکت وجود داشت و نوشته‌های وی در آگاهی‌دهی مردم ایران ستودنی بود. وی به روشنی بازگو می‌کند که با این‌گونه سران نالایق نظامی «... امروزه هیچ شرفی برای مناصب لشگری باقی نمانده که جالب قلوب افراد قشون بحسن خدمت گردد ...» (حبل‌المتین، ۲ شعبان ۱۳۲۴: ۶). شاید راه‌حل‌های روزنامه امروزه بدیهی بنماید؛ اما در آن روزگار ارایه این‌گونه راه‌حل‌ها دلیلی بر درستی تحلیل‌های ماست. دو سال بعد هم هفته‌نامه تلاش بسیار در تشویق وکلای مجلس برای تشکیل ارتش ملی نمود، اما کارآمد نبود (حبل‌المتین، ۱۸ ربیع‌الاول ۱۳۲۶: ۲۴). دلایل چنین انتخاب‌هایی هرچه بود، پیامد آن روش‌های تازه برای تقسیم ناعادلانه درآمدهای کشور بین این سران بود و مشغولیت آنها در نظام با حقوق ثابت تضمین شده بود.

سودجویی‌های مالی مقامات عالی نظام و سوءمدیریت

با توجه به آنچه درباره اعطای نابه‌جای مناصب نظامی ذکر شد؛ دور از انتظار نیست که انواع فریبکاری‌ها، دست‌اندازی‌ها و کسب بی‌حساب سرمایه، توسط مقامات ارشد نظامی انجام می‌پذیرفت. خرید و فروش مناصب، فقدان نظارت، مدیریت و مجازات و نبود قانون، راه را برای دست‌اندازی این‌گونه افراد هموار می‌ساخت. اسناد و مدارک در نوشته‌ها

خرقه افسانه‌ای که سبب مرگ هرکول قهرمان باستانی یونان شد. ^۱ Nessus.

چه در متون روزنامه و چه در منابع نوشتاری آن زمان، چندان فراوان و آشکار است که جایی برای ابهام باقی نمی‌گذارد. در یکی از مقالات نویسندۀ شرح می‌دهد که چگونه «امرا و نظام وجه موجب را از خزانه دولت تمام و کمال وصول می‌کنند و هر قدر که صلاح دانستند به مستوفی نظام می‌دهند او هم اگر صلاح در ترمیم دید اصلاح کرده می‌دهد به دست امیر تومانها آنها هم مطابق و موافق میل و خواهش خود ترمیم کرده میرسد به ...»، وی مراحل مختلف دیگر را بر می‌شمارد تا به سرباز می‌رسد که چند قران پول سیاه دریافت می‌کند. در ادامه هم چنین مداخل دیگری را بر می‌شمارد که تقلب در جنس لباس‌ها، گرفتن موجب سربازانی که سال‌ها فوت کرده‌اند و بسیاری موارد خرده دیگر از آن جمله می‌باشند (حبل‌المتین، ۱۷ رمضان ۱۳۱۶: ۴۲ و ۴۱). روزنامه نیز مانند تمامی منتقدان آن روزگار، دلیل موجب ناچیز سربازان را سودجویی‌های ناروای مقامات بالا معرفی می‌کند و اغلب دولت و خزانه وی را غسل تطهیر می‌دهد؛ زیرا که در شکوائیه‌ای حکومت را مقصر نمی‌داند و اشاره می‌کند که اظهر من الشمس است که از دولت زیاده داده می‌شود، اما سرکردگان آن را می‌خورند (حبل‌المتین، اول رجب ۱۳۱۷: ۲۸). حتی از زبان بیگانگان و ناظران خارجی نیز آنان را سبب‌ساز حقوق ناچیز سربازان قلمداد می‌کند که از نظر شاه پنهان می‌ماند (حبل‌المتین، ۷ ربیع‌الاول ۱۳۱۹: ۱۱). هم‌چنین ادوارد پولاک نیز که چند سال در ایران زندگی کرده و صاحب رأی بوده، اشاره می‌کند موجب کم نیست ولی سه‌چهارم آن به سربازان می‌رسد و صاحب‌منصبان می‌خورند (پولاک، ۱۳۶۸: ۴۰). از جمله سودجویی‌های سران لشکر خوردن حقوق سربازان بود که به مرخصی اجباری بی‌حقوق می‌رفتند یا مرده بودند؛ اما حقوق آن‌ها گرفته شده و به جیب افسران می‌رفت^۱ (حبل‌المتین، ۱۱ شوال ۱۳۲۳: ۱۷). می‌توان چنین برداشت نمود که سودجویی‌های مقامات بالای نظامی عیان‌تر بود و کوتاهی حکومت را کم‌رنگ‌تر می‌کرد.

بنابر گفته عین‌السلطنه، برادرزاده ناصرالدین‌شاه: «... صاحب‌منصبان عالی با سالی ۵ تومان دیوانه است، بماند پس درآمد دیگر دارد ...» (همان: ۱۰۵۷). از این گفتار می‌توان به این واقعیت پی برد که حقوق و موجب بالادستان نظام نیز درخور مقام آن‌ها نبوده و حکومت شرایط مداخل غیرقانونی را برای سران فراهم می‌کرد؛ زیرا آنها خرج داشتند و موجب کم دریافت می‌کردند.

از دیگر سودجویی‌های مالی سران نظامی تعدی و ظلم در گرفتن موجب سربازان به شکل برات و تسعیر بود. در تسعیر معادل دستمزد و موجب، کالا داده می‌شد، در این روش از دادن دستمزد، راه برای انواع مظالم باز بود و معمولاً از قیمت اصلی جنس در بازار بیشتر محاسبه می‌شد و در این میان، سربازان آسیب مالی می‌دیدند. در ماجرای در قشون فارس، مراسله‌کننده‌ای گلایه می‌کند که در این ایالت قیمت گندم خرواری پنج تومان و جو خرواری سه تومان است، در حالی که با سرباز جو خرواری هفت تومان و گندم را خرواری هشت تومان مرحمت کرده‌اند (حبل‌المتین، ۸ شوال ۱۳۲۱: ۸). عمدتاً برات‌هایی که در آن‌ها جنس تعیین شده بود بیش از قیمت آن در بازار بود (آدمیت و ناطق، ۱۳۵۶: ۴۳۶).

۱. هم‌چنین ر.ک به (حبل‌المتین، ۱۱ ربیع‌الاول ۱۳۱۶: ۲).

چندان این حیف و میل کردن‌ها هویدا بود که در آستانه استبداد صغیر مجلس تصمیم به گرفتن وام از دولت‌های بیگانه نمود؛ اما بسیاری عقیده داشتند سودی در این قرض نیست و مبلغ هنگفتی باز به جیب رؤسای نظام می‌رود و به حال قشون فرقی نخواهد کرد (حبل‌المتین، ۱۱ ربیع‌الاول ۱۳۲۶: ۲). شاید بتوان گفت مجموعاً از خدمتگزاران رده پایین تا بالا به فراخور مقام خویش حقوق قابل توجهی دریافت نمی‌کردند؛ اما بستر برای برون‌رفت از این موقعیت برای بزرگان فراهم‌تر بود و هر یک به فراخور مقام خود از سطوح پایین‌تر رشوه دریافت کرده و سبب‌ساز زیاده‌خواهی و اجحافات مالی آنان بود (Watson, 1858: 24). اعتراض سربازان تقریباً همیشه با مؤاخذه و مجازات همراه بود و راه به جایی نمی‌برد. کتک‌خوردن پایین‌ترین تنبیه بود که برای اعتراض‌کنندگان در نظر گرفته می‌شد (مجدالملک، ۱۳۲۱: ۳۴). بسیاری از سربازان به این‌گونه مجازات‌ها اشاره کرده‌اند، خبرنگار موثق روزنامه می‌نویسد: «... مصیبت وقتی است که کسی از آن مظلومان آشکارا حقوق خود را بخواهد و آن‌وقت شبانه آن بیچاره را در محل خفیه برده و با تخماق سرش کوبیده یا با طبر مغزش پریشان سازند و روح حجاج بن یوسف را در جهنم معذب می‌دارند...» (حبل‌المتین، ۲۸ محرم ۱۳۲۶: ۱۹). از معروف‌ترین و اسف‌بارترین مجازات‌های این‌گونه اعتراضات ماجرای اعتراض مؤدبانه سربازان ظل‌السلطان در شاه عبدالعظیم است که منجر به سوءتفاهم و سنگ‌اندازی به کالسکه ناصرالدین‌شاه و سپس اعدام ناجوانمردانه نه تن از آنان می‌شود (حاج سیاح، ۱۳۵۹: ۱۱۱-۱۱۳). این واقعه دلخراش در خود بسیاری از نواقص قشون ایران و وضعیت مالی و معیشتی نظام را دربردارد؛ اما نکته مهم اینکه ردپای آگاهی شاه و بی‌اعتنایی به این‌گونه نارسایی‌ها در بسیاری از موارد کاملاً آشکار است.

عدم پرداخت حقوق کافی و به موقع و پیامدهای آن

براساس نظام جدید در اصلاحات ارتش بخش قابل توجهی از مواجب سربازان و قشون مستقیماً از خزانه دولت پرداخت می‌شد؛ در حالی که در نظام قدیم این امر با قراردادهای مالیاتی به عهده رؤسای ایل و ولایات بود که تاخت و تازها، غنایم و غارتگری‌ها و پاداش بسی انگیزه جنگ‌آوران را فزونی بخشیده و به سود بزرگان و فرماندهان بود (Malcolm, 1829: 356).

حکومت قاجار با بی‌تدبیری، عقل‌گریزی و هزینه‌های بی‌جا که یادآوری شد، نتوانست از عهده این ابتکار و نوآوری برآید. دشوار نیست که مسیر این انحرافات و مشکلات را از ابتدا تا انتها جستجو کرد؛ هرچه که بود نمود اصلی و نتیجه آن شرایط بسیار سخت اقتصادی سربازان بود که سبب‌ساز آن نرسیدن حقوق یا دیر و ناقص رسیدن آن بود. نبود قوانین مدون، سخت و محکم و سوءمدیریت بر این مشکلات دامن می‌زد. کمتر منبع نوشتاری از دوره قاجار باقی مانده است که در موضوع ارتش و سپاه به وضعیت اسف‌بار و تأثیربرانگیز معیشت سربازان اشاره نکرده باشد. فراوانی این متون، بی‌شک جایی برای انکار باقی نمی‌گذارد. بسیاری از مراسلات و سرمقاله‌های روزنامه نیز بر موضوع وضعیت نامطلوب معیشتی سربازان و قصور در دادن حقوق و مزد آنان متمرکز شده است، به علاوه پیامدها و تأثیرات این‌گونه نواقص در چهره اجتماعی و اقتصادی آن روزگار به قلم آورده شده است. از نگاه روزنامه، صنف عسگری از

همه اصناف بدبخت‌تر و ذلیل‌تر بودند (حبل‌المتین، ۲۸ محرم ۱۳۲۶: ۱۷). امروزه باور گفته واتسون دشوار است که اشاره می‌کند جیره و مواجب سربازان چند سال است به آنها نرسیده است (همان: ۱۳؛ ۸۴: ۱۸۵۸، Watson). نمونه‌های فراوانی از شهرهای مختلف در طرح این‌گونه شکایات در روزنامه وجود دارد که از حوصله این مقاله خارج است ولی شاهدان بسیار، تأییدی بر درستی ادعای این پژوهش است (حبل‌المتین کلکته، اول رجب ۱۳۱۷: ۲۸)^۱. در مرزها که از نظر استراتژی دفاعی بسیار مهم بود، گویا به علت دورافتادگی، وضع بحرانی‌تر می‌نمود (حبل‌المتین کلکته، ۷ محرم ۱۳۱۷: ۱۷).

در اغلب این گزارشات پس از وصف حال اندوهبار سربازان و نرسیدن حقوق و مواجب، صاحب‌منصبان، فرماندهان و مقامات بالا را مسئول این کوتاهی می‌دانند، چنانچه قبلاً توضیح داده شد، شاید بتوان این دلایل را پذیرفت؛ اما از سوی دیگر باید بی‌اعتنایی مقامات رسمی و در رأس آن شاه قاجار، سوءمدیریت و ناکارآمدی نهادها و سازمان‌های دولتی را با سهمی بسزا و جداگانه به آن افزود. تاریخ این مراسلات که در آستانه نهضت مشروطه و بعد از آن است نشان می‌دهد دلسوزان مشروطه نیز موفق به اصلاح این اوضاع نابسامان نشده‌اند. خزانه دولت در اغلب مواقع تهی و دولتمردان مشروطه در پی قرض از دولت‌های روس و انگلیس بودند (حبل‌المتین کلکته، ۲۸ شوال ۱۳۲۶: ۱۷).

اگر بپذیریم حقوق خدمتگزاران دون‌پایه ارتش قاجار با تأخیر بسیار می‌رسید و بسیار ناچیز بود و گاهی نیز آن مقدار ناچیز هم نمی‌رسید؛ بنابراین این قشر آسیب‌پذیر جامعه چگونه روزگار می‌گذراندند؟ متون منابع دوره قاجار و هفته‌نامه آکنده از کارهای پست و موقتی این سربازان است که برای بسیاری از ناظران آشنا دلاکی، آب‌کشی، هیزم‌کشی، فعلگی، صرافی، راه‌اندازی مسابقه‌های کشتی، عملگی، قصابی و... از نمونه کارهایی بود که توسط آن‌ها انجام می‌شد (حاج سیاح، ۱۳۵۹: ۱۱)^۲.

در مکتوبی از خراسانی آمده است: «... سربازها همه بمشق حمالی و عمله‌گی و قصابی و کنده‌شکنی مشغول اسلحه‌ای که بدستشان دیده می‌شود [وسایل] دلاکی است که سر تراشی می‌کنند (حبل‌المتین، ۲۷ جمادی‌الاول ۱۳۲۳: ۱۱). چند سال دیگر هم اوضاع به همین حال است؛ زیرا گزارشگر هفته‌نامه از بوشهر وضعیت رفّت‌بار این گرسنگان را چنین دیده است: «... این جوجه توپ‌چیان هر یک در عالم خود صرافی ماهر و تاجری شاطر شده‌اند. ذغال شهر را فروشش منحصر کرده و هیزم بلد را امتیازش بوجود خود تنها داده علافی را حق مطلق خود دانند و قصابی را پیشه حقیقی خود پندارند. زیرا که بیکارند بیکار...». (حبل‌المتین، ۲۸ محرم ۱۳۲۶: ۲۰). گزارشگر روزنامه در جای دیگر فعلگی، گل‌کشی، آب‌کشی آنان را مایه فضاحت و بی‌آبرویی ایرانیان معرفی می‌کند (حبل‌المتین، ۲۸ محرم ۱۳۲۶: ۱۹).

^۱. همچنین بنگرید به: (حبل‌المتین، ۲۱ شعبان ۱۳۱۷: ۹۱؛ ۱۷ ذی‌القعدة ۱۳۲۲: ۱۲-۱۱؛ ۲۹ جمادی‌الاول ۱۳۲۹: ۱؛ ۲۸ محرم ۱۳۲۶: ۱۳؛ ۲۷ جمادی‌الاول ۱۳۲۳: ۱۱؛ ۲۲ ذی‌الحجه ۱۳۱۷: ۱۳).

^۲. همچنین نگاه کنید به: (آدمیت و ناطق، ۱۳۵۶؛ ابراهیم بیگ، ۱۳۲۳: ۵۵؛ عین‌السلطنه، ۱۳۷۴: ۱۲۸۹/۲).

انواع مشغولیت‌ها و کارهای روزمزه سربازان قشون چندان برای مردم آن روزگار عادی بود که عین‌السلطنه قشون خرقان را بیشتر از اینکه فوجی از سربازان ارتش باشند، گروه بزرگی از عمله‌ها و بناها تجسم می‌کند (عن‌السلطنه، ۱۳۷۴: ۱۱۰۹۲/۲-۱۱۰۸).

از دیگر نمودهای وضعیت دشوار اقتصادی سربازان، چهره زشت دزدی‌ها، غارتگری‌ها، حمله بر زمین‌های زراعی و چپاول مردم عادی بخصوص روستاها بود. نکته قابل تأمل در این است که شکایات نویسندگان از چنین اعمالی در روزنامه بسیار اندک است. در این پژوهش، نگارنده فقط به دو مورد برخورد کرده است که به طور گذرا از ظلم بر رعایا و غارت چادرنشینان در کرمان سخن گفته شده است (حبل‌المتین، ۱۹ ذی‌القعدة ۱۳۱۵: ۲۴۳).

شاید علت نادر بودن چنین گزارشاتی در روزنامه، طبقه اجتماعی نویسندگانی است که به تعداد بیشتر در شهرها زندگی می‌کرده‌اند، دلیل دیگری هم وجود دارد و آن را می‌توان از تنزل اهمیت آن نسبت به کارهایی چون عملگی، دلاکی، صراف‌ی و غیره دانست زیرا که این‌گونه غارتگری‌ها در ابتدای دوره قاجار بسیار عادی و فراوان بود و در دوره دوم قدری التیام و بهبود یافته بود (فروزش، ۱۳۹۷: ۱۵۲). یک نمونه نادر در سفرنامه سهام‌الدوله بجنوردی وجود دارد که با رقه‌ای هرچند ضعیف از تعدیل این‌گونه غارتگری‌هاست، پیرمردی روستایی اظهار می‌کند در قدیم سیورسات قشون را روستاییان می‌دادند حالا اجناس را به قیمت گران به آن‌ها می‌فروشیم (سهام‌الدوله بجنوردی، ۱۳۷۴: ۴۰-۳۹). به هرحال با فرض اینکه این‌گونه غارتگری‌ها وجود داشته، علت آن را می‌توان از پیامدهای گرسنگی و فقدان مقدار و زمان مناسب موجب و مزد سربازان دانست و بی‌شک داوطلبان خدمت، از روی ناچاری و گاه نیز فاقد سنجایی اخلاقی بودند که در قسمت بعدی به آن می‌پردازیم.

وضعیت خوراک و پوشاک قشون

بی‌شک انتظار نداریم در ارتشی که دریافت حقوق کارکنان؛ به‌ویژه در سطح پایین در چنین شرایط دشوار و رقت‌باری است وضعیت خوراک و پوشاک آنان رضایت‌بخش باشد. در یک سازمان نظامی الزاماً تمامی این عناصر مانند شبکه‌ای در ارتباط با یکدیگر و تأثیرگذار می‌باشند. معمولاً تمایلات سران موجب تنوع لباس بود و نوع آن را تعیین می‌کرد (Watson, 1858: 24). از کاستی‌های معمول در ارتش تقلب در جنس پارچه بود که در ازای کسر بودجه از کیفیت آن کاسته می‌شد (حبل‌المتین، ۱۷ رمضان ۱۳۱۶: ۴۲). اغلب اوقات لباس سربازان مندرس و نخ‌نما بود؛ زیرا نه جنس خوبی داشت و نه به تعداد کافی می‌رسید. نبود لباس گرم و کافی در زمستان از عظیم‌ترین مصیبت‌ها بود، به‌ویژه در ایالت‌های برف‌خیز و در فصل سرد نداشتن لباس گرم در پیاده‌روی‌های زمستان مایه آزار و بدبختی بود (حبل‌المتین، ۲۸ محرم ۱۳۲۶: ۱۸). پولاک، لباس کم و نداشتن پالتو در زمستان را عامل مرگ بسیاری از آن‌ها و در راهپیمایی‌های زمستانی توصیف کرده است (پولاک، ۱۳۳۸: ۴۰). بسیاری از شاهدان عینی اروپایی اعتراف کرده‌اند که در هیچ جای دنیا سربازی به این حقارت ظاهری و جسمانی ندیده‌اند (Curzon, 1898: 599).

وضعیت خوراک به مراتب اوضاعی وخیم تر داشت. اغلب از سربازان به سربازان گرسنه تعبیر می شد، اوضاع و احوال اعضای قشون معمولاً تعبیری با این مضمون داشت: «... یک جمعیت سرباز برهنه، بی سامان، بی لباس، گرسنه، پیاده، بی حکیم و بی سواد...» (حبل المتین، ۲۱ شعبان ۱۳۱۷: ۹۱). خود سربازان در گفت و گویی با گزارشگر روزنامه ادعا داشتند هر شبانه روز فقط یک وعده غذا «... آن هم غذائیست که مسلمان نشنود و کافر نبیند...» نصیب آنان می شود و ماه ها بلکه سال ها غذای درستی به مذاق آنها نمی رسد (حبل المتین، ۲۸ محرم ۱۳۲۶: ۱۹). این در حالی است که بسیاری از صاحب نظران آن روزگار اعتقاد داشتند سربازان ایران، شجاع، جسور، صبور و بردبار بودند که می توانستند کیلومترها در روزهای پیاپی راه بروند و با نان و پیازی سرکنند (Watson, 1858: 24).

فروختن اسب و سایر تجهیزات در چنین مواقعی راه دیگری بود برای برون رفت از مشکلات و مضیقه های مالی، سربازان حتی به چوب های آرابه های حمل توپخانه نیز رحم نمی کردند و از فروش آنها هرچند به قیمت ناچیز گذران عمر می کردند (حبل المتین، ۲ ربیع الثانی ۱۳۱۸: ۱۴-۱۳؛ حبل المتین، ۲۸ محرم ۱۳۲۶: ۲۰). گویا چوب های بی ارزش حمل توپخانه برای ارتش دوره قاجار سود بیشتری از خود توپخانه داشت که با قیمتی گزاف خریده شده بود. از مهم ترین پیامدهای ناگوار چنین قشونی، بی انگیزگی آنان در برابر یاغیان و سرکشان داخلی و دشمنان خارجی بود این امید واهی بود که چنین سربازانی برای حفظ مرزهای ایران دل سوزانده و بی اجر و مزد جان شان را سپر بلای حکومت خویش نمایند (حبل المتین، ۲۵ ذی الحجه ۱۳۲۱: ۱۰).

بهداشت و امکانات رفاهی

از مطالعه متون روزنامه و منابع دیگر که هم رأی با نوشته های حبل المتین هستند، چنین دریافت می شود که در مقابل نبود موجب و خوراک و پوشاک، بهداشت و امکانات رفاهی کمتر مورد اعتراض و نقد قرار گرفته است. این امر بدان معنی نیست که در این زمینه مشکلات و مسائل کمتری رخنمون داشت؛ بلکه ذهن پرسشگر به این نتیجه هدایت می شود که اولاً چنانچه گفته شد در کنار لاعلاجی خوراک و پوشاک، این موضوع از اهمیت کمتری برخوردار بود و دوماً با شیوه زندگی و فرهنگ های آسیب زننده فردی و گروهی افراد جامعه و سطح بهداشت عمومی و رفاه، موضوع چندان مورد مذاقه قرار نمی گرفت؛ زیرا دیگر افراد جامعه آن روزگار نیز بخت و اقبال بهتر در این زمینه نداشتند. نمونه ای از آن در مکتوبی از سلماس هویدا است که بهداشت نامطلوب شهر به قورخانه پیوند می خورد (حبل المتین، اول رجب ۱۳۱۷: ۲۸). ضمن اینکه بعضی اوقات خود نظامیان نیز در به وجود آمدن چنین مناظری دخیل بودند. در جایی از روزنامه می خوانیم: «... قراولخانه ها این قدر خراب و کثیف است که شخص وقتی می گذرد از تعفن مجبور می شود دماغ خود را بگیرد...» (حبل المتین، ۲۷ جمادی الاول ۱۳۲۳: ۱۱). از ناظران معاصر دوره ناصری شاید هیچ کس به اندازه فرووکاوا- فرستاده فرهیخته ژاپنی- به این نابسامانی بهداشتی نپرداخته است. فرووکاوا از اتاق های تنگ و کثیف که برای هر سرباز دو متر هم جا نیست، لباس های چرک و کثیف، رختخواب نامساعد، چهارگدره نان سهم هر سرباز، نداشتن پتو و زیرانداز، لباس تنگ و خشن، قرارگاه های ویرانه و محقر، اردوگاه های کثیف و متعفن که جان

آدمی را آزار می‌دهد، نبود بیمارستان، چمباتمه زدن سربازان در کنار خیابان‌ها، به شکل دقیق و مفصل در سفرنامه خود یاد می‌کند (فوروکاوا، ۱۳۸۴: ۱۱ و ۱۲۵-۱۲۴).

از تصمیمات ناصرالدین شاه در سفر اوّل او به اروپا تأسیس یک بیمارستان نظامی با بیست تختخواب بود که مبالغی همه ساله برای اداره آن اهدا می‌گردید، رئیس بیمارستان در این بخش هم از مبالغ اهدایی شاه به جیب زده و به هنگام بازدید شاه، چند سرباز را به عنوان بیمار در هنگام لازم فراهم می‌کرد (Curzon, 1896: 606). مرگ و میر سربازان بیمار و امراض وخیم مولود فقدان مکان‌های مناسب برای درمان آنان بود. در جای دیگری از روزنامه می‌خوانیم: «... [سربازان] غالباً هر صدی نودونه مبتلا به امراض وخیمه، مضریه و مسریه که تأسی از بی‌رعایتی حفظ‌الصّحه است می‌شوند و در عین شباب از اثر آن امراض بدرود زندگانی گفته فدای بی‌حمیتی و بی‌دینی و بی‌انصافی بزرگان مملکت و سربار بدنای و افتضاح و ... ایران می‌شوند» (حبل‌المتین، ۲۸ محرم ۱۳۲۶: ۱۸). مطالب و مصیبت‌های قابل تأمل دیگری در سطرهای بعدی این متن وجود دارد که آوردن آن برای درک بهتر اوضاع بهداشت آن روزگار سودمند است، این گزارشگر می‌نویسد: «... افراد لشگر ظفر ما وقتی که به نظر می‌آیند مثل حیوانات جنگلی هستند و از کلاه سر تا گیوه پا مظهر کثافت و معدن چرک و دنائت می‌باشند... سربازخانه‌های ایران کثیف‌ترین مزبله روی زمین و جایگاه سگ و روباه و بنگاه جغد و ... می‌باشند. نظاً۰ فت با لکلیه مفقود و کثافت تا اعلی درجه موجود، بوی وافور و بنگ را تا آسمان میافرازد...» (همان: ۱۹). اکنون که تا حدودی با شرایط نامطلوب معیشتی نظامیان دون پایه که انبوه بدنه ارتش ایران دوره قاجار را تشکیل می‌داند آشنا شدیم، می‌توان پذیرفت که منطقی بود، افراد شایسته و دارای منزلت اجتماعی به هیچ طریقی رضایت به استخدام در چنین شرایطی شوند و ترکیب سربازان از جوانان بیست ساله تا پیران شصت ساله باشد که هیچ تناسبی با یکدیگر نداشتند (ابراهیم بیگ، ۱۳۲۳: ۵۴؛ حاج سیاح، ۱۳۵۹: ۱۱۰). از این رو، اقشار محترمی چون روحانیون، بازاری‌ها و شهری‌ها قبول خدمت نمی‌کردند و این کار مختص رعیت روستائیان بود، شوربختانه آنان نیز در شرایط عادی زیر بار چنین شرایط سختی نرفته و اندک افرادی که گاهی اوقات هم از اشرار و نابکاران بودند راضی به این کار می‌شدند و در معامله با بزرگان ارتش کنار می‌آمدند (حاج سیاح، ۱۳۵۹: ۱۰۹؛ فروزش، ۱۳۹۷: ۱۵۴-۱۵۵).

چهره‌های فراوان سربازانی که وافوری بودند، تعداد زیاد تریاک‌خانه‌هایی که در اطراف سربازخانه‌ها نمودار بود، غارتگری و دزدی علّت‌ها و معلول‌های دو سویه‌ای بودند که در وضعیت سخت و نامساعد سربازخانه‌ها و افراد به خدمت گرفته شده به وجود می‌آمدند (حبل‌المتین ۲۸ محرم ۱۳۲۶: ۱۸؛ حبل‌المتین ۲۲ ذی‌الحجه ۱۳۱۷: ۱۳).

بررسی وضعیت ارتش ایران در هنگام ورود به قرن بیستم به خوبی و روشنی نشان می‌دهد، این گونه نواقص، کمبودها و عقب‌ماندگی‌های سپاه و ارتش ایران نسبت به سایر دول خارجی و همسایه عثمانی، مانا و پابرجا باقی ماند.

پیامدهای وضعیت نامطلوب معیشتی سربازان ارتش نوین

پس از شرح و تبیین اوضاع اقتصادی زندگی نظامیان و به ویژه سربازان دون پایه در ارتش قاجاری موضوعی که بسی مهم‌تر جلوه می‌کند آثار و نتایج زیانبار این گونه حقوق‌دهی و نواقص آن است. افرادی که ضامن تأمین امنیت داخلی و خارجی یک نظام می‌باشند همواره باید انگیزه‌های مادی جانفشانی را در کنار وطن‌پرستی داشته باشند و رضایت مالی و اقتصادی را می‌توان از مهم‌ترین این دلایل به شمار آورد.

کافی نبودن ذخایر خزانه دولت مرکزی جهت پرداخت دستمزدها همواره خشم و اعتراض قشون را فراهم می‌آورد و حس وطن‌خواهی آنان را زیر سؤال می‌برد (اشراقی، ۱۳۴۹: ۱۳) و این امری اجتناب‌ناپذیر بود.

از مهم‌ترین عواقب ناگوار چنین قشونی بی‌انگیزگی آنان در برابر یاغان و سرکشان داخلی و دشمنان خارجی بود. این امید واهی بود که چنین سربازانی برای حفظ مرزهای ایران نگران بوده و بدون اجر و مزد جانشان را سپر بلای حکومت خویش سازند (حبل‌المتین، ۲۵ ذی‌الحجه ۱۳۲۱: ۱۰).

دستمزدهای ناچیز که با تأخیر همراه بود؛ سبب شد تا افراد شایسته دارای منزلت اجتماعی به هیچ طریقی رضایت به استخدام در چنین شرایطی ندهند و قبول خدمت نمایند و اشرار و نابکاران از روی اضطراب و ناچاری وارد شده و کیفیت نامطلوب انسانی چنین ارتشی به روشنی از دید ناظران خارجی نیز پوشیده نمی‌ماند (حبل‌المتین، ۲ شعبان ۱۳۲۴: ۷-۱).

مداخل غیرقانونی برای صاحب‌منصبان ارتش و گرایش به انواع مشغولیت‌های پست و گاه غیرقانونی از چهره‌های زشت این نابسامانی مالی بود که علاوه بر این شایستگی و منزلت حافظان امنیت ایران را در نگاه مردم سرزمینشان تا پست‌ترین مراتب اجتماعی می‌رساند.

عدم رشد فضایل اخلاقی، رشادت، شجاعت و از خودگذشتگی که لازمه یک ارتش کارآمد است به روشنی در گزارشات بررسی شده، مشاهده می‌شود. چگونه می‌توان از قشونی که سر در گریبان بدبختی‌های خویش با انبوهی از خشم و نفرت از حکومت بود، انتظار ایثار و در نهایت گذشتن از گران‌بهاترین گوهر وجود که همانا بذل جان می‌باشد داشت. جنگ جهانی اول و سستی و بلاتکلیفی و ناکارآمدی ارتش قاجار در دفاع از سرزمین خود از نمودهای عریان این پریشانی و آشفتگی اوضاع مالی و زندگی افراد آن بود.

نتیجه‌گیری

ایران در اوایل قرن نوزدهم همچون کشورهای دیگر به طرق مختلف، خواه‌ناخواه - تحت تأثیر تمدن اروپا قرار گرفت. همزمان با این جریانات، تجاوزات و پیروزی‌های پی‌درپی روسیه در مرزهای ایران زمینه‌ساز تفکر مدرن کردن ارتش ایران در سر‌نخبانان حکومتی همچون عباس میرزا، امیرکبیر و میرزا حسین‌خان سپهسالار گردید؛ به این منظور به دعوت دولت‌مردان قاجار هیئت‌های مختلف اروپایی وارد ایران شدند؛ اما دلایلی چون عدم تفکر عقلانی رجال حکومتی در این تحول، ساختار اداری و نظامی آمیخته با فساد دائمی، دخالت و تفسیر به رأی عناصر کهنه‌پرست، نبود

بستر مناسب و اصولی در نوسازی و فراهم نمودن ملزومات ذهنی و عینی در بافت تفکر و تمایلات مردمی از یک سو و بی‌تفاوتی و سودجویی کشورهای بیگانه که ایران به آن‌ها دل بسته بود؛ نتایج درخشانی به بار نیاورد. از مهم‌ترین تغییرات ساختار جدید نظامی، پرداخت مواجب نظامیان از طرف دولت بود که نسبت به ارتش سنتی، قدرت حکومت مرکزی را افزایش داده و از نفوذ و اقتدار خان‌ها و رؤسای ایلات می‌کاست. براساس پژوهش در متون هفته‌نامه حبل‌المتین و مقایسه آن با منابع دست اول دوره قاجار، بر گوشه‌ای از نقاط ضعف و ناکارآمدی ارتش نوین که همانا وضعیت معیشتی سربازان بود پرداخته شد. با مطالعات و تحلیل‌های منطقی می‌توان ادعا کرد که پرداخت حقوق خدمتگزاران ارتش توسط حکومت، هیچ زمان روی خوشی به نظامیان به‌ویژه سربازان دون‌پایه نشان نداد. به عبارت واضح‌تر، چندین ایراد اساسی بر این روش وارد بود؛ زیرا اغلب اوقات، خزانه دولت تهی بود و مواجب سربازان ماه‌ها، بلکه سال‌ها به شکل مطلوب پرداخت نمی‌شد. از سوی دیگر در مسیر پریپیچ و خم دریافت حقوق از سرچشمه تا مقصد فرماندهان و صاحب‌منصبان به انحای مختلف، سودجویی کرده و از میزان آن می‌کاستند. بی‌اعتنایی و عدم تدبیر عناصر حکومتی دلیلی دیگر بود که در نهایت سبب عدم میل و رغبت جوانان مستعد و شایسته ایرانی جهت خدمت در نظام جدید شد؛ از این رو اغلب سربازان با اجبار استخدام شده و گاهی نیز عناصر شرور و از جامعه رانده در ارتش در معامله با صاحب‌منصبان عالی وارد می‌شدند. از پیامدهای مهم چنین حقوق‌دهی ناکارآمد، چهره زشت سربازان مزدبگیر در شهرها و روستاها و برخی از بزهکاری‌ها بود.

در پایان حکومت قاجارها که از نظر زمانی با جنگ جهانی اول روبه‌رو شد، ایران صاحب ارتشی به ظاهر نیم‌بند مدرن؛ اما بدون هیچ‌گونه اقتدار و انسجامی بود که هیچ قدرتی در حفظ و صیانت مرزهای ایران در مقابل بیگانگان نداشت و با روی کار آمدن رضاشاه، ارتش ایران وارد مرحله دیگری از مدرن‌سازی به سبک اروپا شد.

منابع

- ابوالحسنی، جواد (۱۳۸۵). «فرآیند اصلاحات سازمان نظامی در دوره قاجار»، زمانه، سال بی تا، شماره ۵۲، دی ماه، ص ۵۲-۵۵.
- آدمیت، فریدون، ناطق هما (۱۳۵۶). افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار، تهران: آگاه.
- اشراقی، احسان الله، استودارت، چارلز (۱۳۴۹). «گزارشی درباره ارتش ایران در زمان محمدشاه قاجار»، بررسی های تاریخی، سال پنجم، شماره دوم، خرداد و تیر، ص ۱۲۳-۱۳۵.
- امین الدوله، میرزا علی خان (۱۳۴۱). خاطرات سیاسی امین الدوله، به کوشش حافظ فرمانفرمایان، تهران: امیرکبیر.
- بجنوردی، سهام الدوله (۱۳۷۴). سفرنامه های سهام الدوله بجنوردی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- پولاک، ادوارد یاکوب (۱۳۶۸). سفرنامه پولاک، ایران و ایرانیان، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: خوارزمی.
- حاج سیاح، محمدعلی (۱۳۵۹). خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت، به کوشش حمید سیاح، تهران: امیرکبیر.
- زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۹۸). اندیشه و سیاست در ایران قاجار، ج اول، تهران: نگارستان اندیشه.
- شیخ نوری، محمدامیر (۱۳۸۵). «تغییر ساختار ارتش از سنتی به مدرن»، زمانه، شماره ۵۲، دی ماه، ص ۲۰-۳۰.
- عین السلطنه، قهرمان میرزا سالور (۱۳۷۴). روزنامه خاطرات عین السلطنه، جلد دوم و سوم، مصحح مسعود سالور و ایرج افشار، تهران: اساطیر.
- علم، محمدرضا و حسینی، حمزه (۱۳۹۷). «بررسی موانع شکل گیری ارتش مدرن در نیمه نخست حکومت تجار»، مطالعات تاریخی جنگ سال دوم، شماره دوم، تابستان، ص ۱۱۵-۱۴۲.
- فروزش، سینا؛ سوادکوهی، احمد و عبادی جامخانه، رضا (۱۳۹۷). «ضرورت های سربازگیری ایران در عصر قاجار: مطالعه موردی اسناد مازندران دوره ناصری»، نشریه تاریخ، سال بی تا، شماره ۵۱، زمستان ۱۴۱-۱۷۰.
- فوروکاوا، نوبویوشی (۱۳۹۴). سفرنامه فوروکاوا، ترجمه هاشم رجبزاده و کینیچی نه اورا، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- مراغه ای، زین العابدین (۱۳۲۳). سیاحت ابراهیم بیگ، مصحح محمدعلی سپانلو، جلد اول، تهران: آگاه.
- مجدالملک، حاج میرزا محمدخان (۱۳۲۱). با مقدمه و تصحیح سعید نفیسی، تهران: بانک ملی ایران.

هفته نامه

- حبل المتین (۱۹ ذی القعدة ۱۳۱۵). س ۵، ش ۲۱.
- حبل المتین (۲۲ جمادی الثانی ۱۳۱۶). س ۲، ش ۲.
- حبل المتین (۱۷ رمضان ۱۳۱۶). س ۵، ش ۱۲.
- حبل المتین (اول رجب ۱۳۱۷). س ۶، ش ۳.
- حبل المتین (۲۱ شعبان ۱۳۱۷). س ۷، ش ۲۱.
- حبل المتین (۲۲ ذی الحجه ۱۳۱۷). س ۷، ش ۲۲.
- حبل المتین (۷ محرم ۱۳۱۸). س ۷، ش ۲۴.
- حبل المتین (۲ ربیع الثانی ۱۳۱۸). س ۷، ش ۳۶.

- حبل‌المتین (۷ ربیع‌الثانی ۱۳۱۹). س ۸، ش ۳۵.
- حبل‌المتین (۲۵ ذی‌حجه ۱۳۲۱). س ۱۱، ش ۲۵.
- حبل‌المتین (۸ شوال ۱۳۲۱). س ۱۱، ش ۱۷.
- حبل‌المتین (۶ شوال ۱۳۲۲). س ۱۲، ش ۱۵.
- حبل‌المتین (۱۷ ذی‌القعدة ۱۳۲۲). س ۱۲، ش ۱۸.
- حبل‌المتین (۲۷ جمادی‌الاول ۱۳۲۳). س ۱۲، ش ۴۳.
- حبل‌المتین (۶ شوال ۱۳۲۳). س ۱۳، ش ۱۵.
- حبل‌المتین (۱۱ صفر ۱۳۲۴). س ۱۳، ش ۳۱.
- حبل‌المتین (۶ جمادی‌الاول ۱۳۲۴). س ۱۳، ش ۴۲.
- حبل‌المتین (۱۳ جمادی‌الاول ۱۳۲۴). س ۱۳، ش ۴۳.
- حبل‌المتین (۲۰ جمادی‌الاول ۱۳۲۴). س ۱۳، ش ۴۴.
- حبل‌المتین (۲۷ شعبان ۱۳۲۴). س ۱۴، ش ۸.
- حبل‌المتین (۲۸ محرم ۱۳۲۶). س ۱۵، ش ۳۵.
- حبل‌المتین (۱۱ ربیع‌الاول ۱۳۲۶). س ۱۵، ش ۳۶.
- حبل‌المتین (۱۸ ربیع‌الاول ۱۳۲۶). س ۱۵، ش ۳۷.
- حبل‌المتین (۲۸ شوال ۱۳۲۶). س ۱۶، ش ۱۹.
- حبل‌المتین (۲۹ جمادی‌الاول ۱۳۲۹). س ۱۸، ش ۴۵.
- حبل‌المتین (۶ رجب ۱۳۳۲). س ۲۱، ش ۴.

Curzon, Georg, N (1892). Persia and The Persian Question, Vol. I, London: Langman Green And Co And Newyork.

Grant Watson, Robert (1866). History Of Persia From The Beginning Of The Nineteenth Century To The Year 1858: With a Rewiew Of The Principal Events That led to The Establishment Of The Qajar Dynusty, Landon: Smith, Elder And Co,85Comhill.

Gordon, Thomas, Edward (1895). Persia Revisited, Endia Office: London And Newyork.

Malcom, Sir John(1829). History Of Persia: The Most Early Period to The Present Time, Vol II. Landon, Stanford Street.

Stephanei Cronin (2008). War And Peace In Qajar Persia, Edited By Roxane Farmanfarmaian, London And Newyork: Rout Ledge.

Stephanei Cronin "Army V. Qajar Period" <http://www.iranicaonline.org/articles> Accessed On 30 December 2012.

Sykes, Col. P. M(1915). History Of Persia, Vol I, II, London, St. Martin's Street.



Investigating the livelihood conditions of the modern Qajar army and its outcomes based on the content published in weekly newspaper "Habal Al-Matin Calcutta".

Shirin Sharifi¹

Received: 28 November 2024

Accepted: 15 February 2025

abstract

With the beginning of the 19th century and the rise of the Qajar dynasty, the gates of Iran were slowly opened to all kinds of innovations of the European civilization; Also, the Iran's tragic defeats in the northwestern provinces against Russia made the elites of the government think that fundamental reforms should be made in the structure of Iran's traditional army. One of these reforms was the payment of military personnel's salaries. Nevertheless, due to the lack of necessary and basic foundations for this plan, the modernization of the Iranian army had many shortcomings.

The main question of this research is to find the reason and the relationship between the structure of the new army and the living conditions of the soldiers, and the outcomes of the new way of paying the soldiers. The present study investigates the the topic of soldiers' salaries and payments who were paid by the government in the new Qajar army and explains and examines the inefficiency of this new style of giving salaries and its outcomes. Studies indicate that this innovation of paying salaries to military elements was aimed at strengthening the central government and reducing the power and influence of clan heads. The Qajar government was never able to improve the living conditions of the soldiers due to the insufficient treasury, the profiteering of the middlemen and the mismanagement of the government, and this resulted in the soldiers' dissatisfaction and lack of motivation until the end of the Qajar's rule. The descriptive-analytical method was used as research method, and it was carried out based on the library method, mainly by relying on the correspondence and texts of weekly newspaper "Habal Al-Matin Calcutta".

Keywords: Qajar dynasty, modern army, livelihood situation, soldiers, weekly newspaper "Habal Al-Matin Calcut"

¹ - Faculty member, Farhangian University, Tehran. Email: Sh_sharifi4747@yahoo.com.